

ناتو و روسیه

پس از جنگ سرد

محمّد تقی زاده
محمّد تقی زاده



انتشارات آثار فکر

تهران - ۱۳۹۶

۵۲/۲۷۳

میسلم و مقلد

مستند و مستند

ketab.ir

سرشناسه	قبادی ر.، محمد ۱۳۵۶
عنوان : نام پدیدآور	ناتو و روسیه بعد از جنگ سرد / نگارش محمد قبادی راد.
مشخصات نشر	تهران: آثار فکر، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۲۲۴ ص: ۲۱×۱۴ س
شابک	978-600-7492-79-6
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	روسیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱ م.
موضوع	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی -- روابط خارجی
موضوع	Foreign relations -- North Atlantic Treaty Organization
موضوع	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی -- تاریخ -- قرن ۲۱ م.
موضوع	North Atlantic Treaty Organization -- History -- 20th century
موضوع	جنگ سرد
موضوع	Cold War
موضوع	government -- 20th century Russia (Federation) -- Politics and
موضوع	روسیه -- روابط خارجی -- قرن ۲۱ م.
موضوع	Russia -- Foreign relations -- 21st century
موضوع	روسیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱ م.
موضوع	government -- 21st century Russia (Federation) -- Politics and
رده بندی کنگره	۱۳۹۵۲۶۶DK / ۲۲ق
رده بندی دیویی	۹۴۷/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۵۹۸۹۰



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۲، روزدین، خیابان شهید وحید نظری،
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶۹۶۷۳۵۵ / شماره: ۶۶۴۸۰۸۸۲

ناتو و روسیه پس از جنگ سرد

نگارش: محمد قبادی راد

ناشر: انتشارات آثار فکر

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۲-۷۹-۶

قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	مقدمه
---	-------

بخش ۱: مبانی نظری

۳۳	فصل ۱: آتو
۳۶	شناسایی اتحاد
۳۸	کارکردهای اتحاد
۴۲	بقا و تداوم اتحادها
۴۸	منابع فصل اول
۵۱	فصل ۲: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
۵۳	تحولات موثر در شکلگیری ناتو
۶۸	سیر تحول سازمان پیمان آتلانتیک شمالی
۹۰	منابع فصل دوم
۹۳	فصل ۳: گسترش ناتو به شرق
۹۳	دیدگاههای مختلف در زمینه گسترش ناتو به شرق
۹۸	نخستین نشانه‌های گسترش
۱۰۹	اجلاس مادرید (۱۹۹۷)
۱۱۰	اجلاس واشنگتن (۱۹۹۹)
۱۱۱	اجلاس بخارست
۱۱۳	منابع فصل سوم

بخش ۲: نگرش روسیه به گسترش ناتو در شرق

۱۱۷	فصل ۱: نگرش متقابل روسیه و ناتو در دوران یلتسین
۱۱۸	ناتو از منظر روسیه

۱۲۲	الف) ژئوپلیتیک.....
۱۲۳	ب) گسترش ناتو به شرق: خیانت غرب.....
۱۲۴	ج) هزینه‌های گسترش.....
۱۲۷	روسیه از منظر ناتو.....
۱۳۰	دوره «آندری کوزیروف» (۱۹۹۶ - ۱۹۹۰).....
۱۳۳	دوره «سرگنی پریماکف» (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹).....
۱۳۵	سند بنیادین روابط روسیه - ناتو.....
۱۳۶	منابع فصل اول.....
۱۳۹	فصل ۲: پوتین و دکترین امنیت ملی روسیه.....
۱۴۲	۱- پوتین کیست؟.....
۱۴۴	۲- خط مشی پوتین.....
۱۴۹	۳- سیاست خارجی «ولادیمیر پوتین».....
۱۵۱	۴- «مفهوم سیاست خارجی روسیه».....
۱۵۵	۵- ناتو در نگاه ولادیمیر پوتین.....
۱۵۷	۶- مفهوم جدید امنیت ملی روسیه.....
۱۶۹	منابع فصل اول.....
۱۷۱	فصل ۳: حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا.....
۱۷۶	واکنش روسیه به حوادث یازده سپتامبر.....
۱۷۸	تأثیر حوادث یازده سپتامبر بر ناتو.....
۱۸۲	تأثیر حوادث یازده سپتامبر بر روابط روسیه و ناتو.....
۱۸۷	تأثیر حوادث یازده سپتامبر بر روابط روسیه و آمریکا.....
۲۰۲	منابع فصل سوم.....
۲۰۵	فصل ۴: نتیجه‌گیری.....
۲۱۵	منابع و مآخذ.....

مقدمه

تاریخ روابط بین الملل متأثر از تحولات و وقایعی است که در طول زمان و پس از آن، موجب تغییرات اساسی در روند و ادامه حرکت می گردد.

در این بیان نقش و تاثیر کشور روسیه در تحولات روابط بین المللی در قرن اخیر از اهمیت زیادی برخوردار است؛ علاوه بر این نقش می توان گفت که روسیه در قرن اخیر یکی از قطبهای پایدار قدرت در سطح منطقه ای و جهانی بوده است که به نظر بسیاری از صاحب نظران مسائل روسیه و سیاست های جهانی وجود چنین جایگاهی برای این کشور از دو عامل ناشی می شود: یکی «موقعیت سرزمینی» که با قرار گرفتن در قلب منطقه ای وسیع بنام اوراسیا، کنترل و سلطه بر این محدوده جغرافیایی وسیع را در اختیار گرفته. عامل دیگر نیز سیاسی است که در طول قرون معاصر بر این سرزمین و کشور حکومت کرده اند و همواره راهبرد مشابهی را در تعامل با جهان خارج در پیش گرفته اند و آنهم اعتلای جایگاه و استحکام ابرقدرتی این کشور در جهان بوده است.

جنگ جهانی دوم که قریب به ۵۰ سال نه تنها قاره اروپا بلکه بسیاری از نقاط شرقی و غرب جهان را رودرروی هم قرار داد، بدون تردید با علل و ریشه های شکل گیری آن، دارای مختصات خاصی است. این جنگ دوهیمن اتحاد برنامه ریزی نشده دو سوی آتلانتیک علیه اقتدارگرایی در طول تاریخ آنها بود که بار نخست آن در جریان جنگ جهانی اول صورت گرفته بود. از ابتدا تا پایان، جهان شکل گیری دو اتحاد را شاهد بود. ابتدا میان

آلمان (نازیسم)، ایتالیا (فاشیسم) و شوروی (کمونیسم) که در همان ابتدا یک ضلع این مثلث یعنی کمونیسم با حمله نازیسم، به اردوگاه جهان لیبرال پیوست که در آن انگلستان و فرانسه حضور داشتند، جنگ جهانی دوم موجب ویرانی بیش از ۶۰ درصدی بسیاری از شهرهای مهم و صنعتی اروپایی شد، پس از قرن‌ها تسلط اروپاییان و نظرات اروپایی بر روابط بین‌المللی، انحصار این رشته از دست این قاره خارج شد و در واقع پادشاهی بر روابط بین‌الملل اروپایی، برای نخستین بار یکی از مخرب‌ترین نسجات مورد استفاده در طول تاریخ حیات بشر در این جنگ مورد استفاده قرار گرفت و اتفاقاً عامل پایان بخشیدن به ۵ سال جنگ و خونریزی شد در کنار تحولات دوران جنگ دوم، تحولات پس از آن نیز دارای اهمیت بسیار باایی در مطالعه روابط بین‌المللی محسوب می‌شود. «فن آوری جنگی» در کنار «ایدئولوژی سیاسی» و به دنبال آن، بعنوان یکی از بارزترین پیامدهای جنگ جهانی دوم، «خروج آمریکا از انزوای سیاسی» پس از بیش از ۱۰۰ سال موجب شکل‌گیری نظام بین‌المللی با مختصات جدید شد.

خطوط جداکننده قدرتهای متخاصم در دوران جنگ (آلمان، ایتالیا، اسپانیا، ژاپن و البته اتریش در یک سو و شوروی از سال ۱۹۴۱ انگلستان، فرانسه و بعدها آمریکا در سوی دیگر) در فردای جنگ جابه‌جایی بنیادینی داشت؛ بدین صورت که شوروی در یک سو و سایر قدرتهای فوق در جبهه‌ای دیگر قرار گرفتند.

این خطوط جداکننده که موجب ترسیم الگوی دو قطبی قدرت در نظام بین‌المللی به رهبری آمریکا از یکسو و اتحاد جماهیر شوروی از

سوی دیگر شد، موجب رقابت تسلیحاتی ۴۰ ساله جنگ سرد و به تبع آن رقابت رهبران و اقرار هر یک از دو بلوک در طول سال‌های گذشته شد که پیامدهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی، طبیعی‌ترین پیامدهای آن محسوب می‌شدند.

علاوه بر رقابت دو بلوک در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، یکی از مشخص‌ترین تعیین‌کننده‌ترین حوزه‌های رقابت آنها، رقابت در حوزه امنیتی، نظامی بود که مصداق آنرا در شکلگیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در غرب و پیمان ورشو در شرق شاهد هستیم. ناتو و ورشو بازتاب روشنفکری و طایفه‌ای رقابت دوا بر قدرت برای پاسداری از حوزه نفوذ و سلطه خود بر جهان بودند. بیانگر ترتیبات امنیتی مورد نظر هر یک از رهبران بلوک‌های متخاصم در برابر و یا تقابل با رقیب مقابل بود. ناتو در ۱۴ آوریل ۱۹۴۹ شکل گرفت تا از توسعه نفوذ شوروی و ایدئولوژی آن در قاره اروپا جلوگیری کند. در واقع سدی باشد در مقابل سیاست‌های توسعه طلبانه این ابرقدرت و در پاسخ به ناتو، شوروی نیز متحدان خود در اروپای شرقی و مرکزی را در قالب پیمان ورشو سازمان داد تا برنامه‌ها و راهبرد امنیتی و نظامی هماهنگی را در مقابل تحركات جهان غرب نشان دهند.

با تحولات اتحاد جماهیر شوروی در آخرین سال‌های دهه ۲۰، روی کار آمدن میخائیل گورباچف در این کشور و با برنامه اصلاحات در دو حوزه سیاسی و اقتصادی تحت عناوین پروستوریکا و گلاسنوست و در نهایت انحلال پیمان ورشو و فروپاشی شوروی و تبدیل آن به ۱۵ جمهوری همراه بود، گمان برخی از نظریه‌پردازان غربی این بود که

روسیه بعنوان وارث اصلی شوروی، نقش این کشور در نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد را بعنوان یک ابرقدرت ایفا خواهد کرد، اما مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشور، توان نظامی آنرا تحت الشعاع قرار می‌دهد و لذا در ادامه برنامه‌های گورباچف در قالب «خانه مشترک اروپایی»، شاهد ادامه گرایش مسکو به پیوستن به جهان غرب بودیم؛ هرچند این روند نیز به دلیل مشکلات ساختاری داخلی این کشور، با فراز و سبیل دوران مواجه گردید.

تبدولات سال‌های نخست پس از پایان جنگ سرد، کشمکش درونی نظام سیاسی روسیه در گرایش به غرب از یک سو و سودای احیاء جایگاه امپراطوری برای این کشور از سوی دیگر، خلاء امنیتی ناشی از فروپاشی شوروی و ناتوانی آمریکا در باز کردن یک راهبرد کارآمد برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان ابرقدرت رقیب، نظام بین‌المللی را پس از آزاد شدن از الگوی دو قطبی قدرت، به دررانی وارد کرد که به اجماع بسیاری از صاحب‌نظران، «دوران گذار» محسوب می‌شود. دررانی که ابهام در الگوی قدرت مشخص‌ترین نشانه آن بود.

در این دوران شاهد تلاش آمریکا برای اعمال نفوذ و برتری خود بر نظام بین‌المللی از یک طرف و تلاشی روسیه بودیم که با شیوه‌های جدید، ضمن حفظ اقتدار سنتی خود در مجموعه تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای، روندی مسالمت‌آمیز با ترکیبی از همکاری و رقابت را با غرب و مشخصاً با ایالات متحده آمریکا را در پیش گرفته بود. این امر را می‌توان متأثر از سه ویژگی بارز دوران در حال گذار دانست، دورانی که «هویتهای

جدید»، «تهدیدات جدید» و در نتیجه ضرورت «مدلهای امنیتی جدید» آنرا از دوران پیشین متمایز می‌ساخت.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در پاسخ به تهدید ناشی از سیاست‌های توسعه طلبانه اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۹ ایجاد شده بود. پس از آن نیز براساس ضرورت‌های امنیتی آن دوران به تعداد اعضا آن افزوده شد. در مدت ۴۰ سال حیات خود در دوران جنگ سرد، مأموریت اصلی این اتحاد مهار و ایجاد سد در مقابل توسعه طلبی شوروی و نیروهای موثر حمایت این ابرقدرت بود. با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، اصلی‌ترین مأموریت این سازمان امنیتی توجیه خود را از دست داد و منطقاً براساس تهدیدات آن زمان، اتحاد که بقای آن را پس از پایان یافتن تهدیدات تقریباً غیرممکن می‌دانستند، این پیمان در پارادوکس بقا در دورانی که هیچ تهدیدی بصورت مستقیم از آن را تحت تأثیر خود قرار نمی‌داد، قرار داشت.

علی‌رغم مخالفت‌هایی که نسبت به ادامه حیات ناتو چه از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان غربی و چه مخالفان روسیه صورت می‌گرفت، ولی در روابط روسیه با نگاه به ناتو بعنوان یک «واقعیت امنیتی» در جهان بین‌المللی پس از جنگ، تعامل کجدار و مریز همراه با روندی تدریجی بسط و تعمیق همکاری وجود داشت است. از این نظر می‌توان دلایل زیرین رویکردی در نگاه روسیه به ناتو را در موارد سه‌گانه‌ای برداشت کرد که از مجموع مطالعات و تحقیقاتی که در این خصوص صورت گرفته استنباط نمود: «حمایت اعضای ناتو از اصول دموکراتیک و تلاش‌های روسیه در همکاری بیشتر با غرب و بخصوص اروپا»، «تحولات و شرایط بین‌المللی

که همکاری و تعامل نزدیک تر این دو واحد سیاسی را در سطح نظام بین‌المللی اجتناب ناپذیر می‌کرد» و «نیاز روسیه به کمک‌ها و حمایت‌های نهادهای بین‌المللی مالی و اعضاء توانمند اقتصادی ناتو از یکسو و ضرورت حصول اطمینان برای قدرتی نظیر ایالات متحده آمریکا از نحوه و کیفیت همکاری روسیه بابرخی کشورهای در حال توسعه بویژه در زمینه همکاری‌های تسلیحاتی از سوی دیگر». بسیاری از صاحب‌نظران مسائل روسیه، دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در روسیه را که از مارس ۲۰۰۰ آغاز شد، یکی از مقاطع تاریخی در روابط روسیه با نظام بین‌المللی می‌دانند. شرح دیدگاه‌های وی در مسائل داخلی و مسائل سیاست خارجی روسیه که از زمان انتصاب بعنوان دبیر شورای امنیت و پس از آن نخست وزیر روسیه نقش اساسی در تدوین و تصویب «دکترین امنیت ملی جدید» این کشور داشت، این امیدواری را ایجاد کرد با روی کار آمدن رئیس جمهوری عملی را که اولین هدفش این بود تا دولتی مرکزی، که قادر به اجرای دستورات خود باشد تشکیل دهد، این کشور دوره جدیدی را در تعامل با نهادهای بین‌المللی و پذیرش واقعیتهای موجود نظام بین‌الملل، آغاز نماید.

در نخستین سال روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید، کرملین، کاخ سفید در آستانه روی کار آمدن رئیس جمهور جدیدی بود که اندیشه‌های نومحافظه کاران آمریکا را نمایندگی می‌کرد و یکسال پس از آن، شاهد وقوع حوادث یازده سپتامبر در این کشور بودیم. آخرین خانه پازل «تهدیدات برای جهان متمدن» تکمیل شد و پوتین نیز این تحولات را برای مشارکت بیشتر روسیه در ترتیبات امنیتی نظام بین‌المللی به

رهبری آمریکا، فرصتی تکرار نشدنی دید و به ائتلاف مبارزه با تروریسم پیوست. پوتین در حساس‌ترین مرحله ریاست جمهوری خود، سرنوشت سازترین تصمیم دوران جدید کرملین را اتخاذ کرد و علی‌رغم مخالفت‌های داخلی، به تشکیل محور آمریکا - اروپا - روسیه شتاب بیشتری داد تا جهان ۳۷ روز پس از حوادث یازده سپتامبر، برای جنگ آمریکا متحانش در افغانستان آماده شود.

این کتاب با بررسی مجموعه تحولاتی (ناتو و پیدایش و تکامل آن در دوران جنگ سرد و پس از آن، گسترش این سازمان پس از فروپاشی شوروی، سیر نگرشی روسیه به ناتو و گسترش به شرق، ریاست جمهوری پوتین، دکترین امنیت ملی جدید، این کشور و حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا) که درس‌نویز پیرامون آنها اشاره شد، می‌کوشد با بررسی و تجزیه و تحلیل این حوادث، با شناسایی نگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق در دوران ریاست جورج ولادیمیر پوتین و متغیر تمام‌کننده این تغییر نگرش یعنی حوادث ۱۱ سپتامبر بپردازد.

این پژوهش از نظر موضوع، نگرش روسیه (پس از جنگ سرد تا سال ۲۰۰۲ و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بررسی می‌نماید) و از نظر مکانی محدوده سیاستگذاری در کشور روسیه و تحولات نظام بین‌الملل را بررسی می‌نماید.

بر این اساس تحولات مورد نظر این کتاب صرفاً تغییرات نگرش رهبران روسیه در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۲ را بررسی خواهد نمود.